

# جلوه‌های هنر صفوی

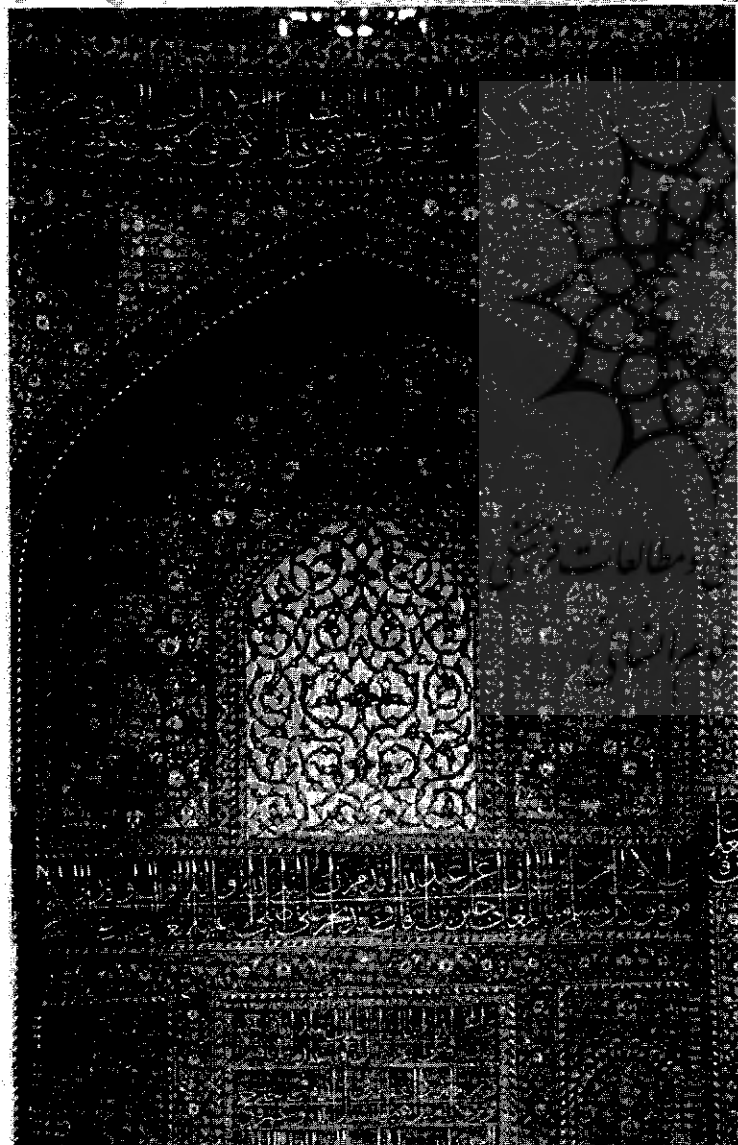
ان‌هینا مداحی

## مقدمه

حکومت صفوی، با شاه اسماعیل اول (۱۴۹۹-۱۵۲۴) آغاز شد که مردی جسور بود و با نیروی فراوان، دودمان پادشاهی تازه‌ای پدید آورد. بزرگ‌ترین هنرمندان عصر به دربار او هجوم آوردند و بناهای بسیار ساختند که اغلبشان اکنون ویران شده‌اند. البته برخی آثار شکیل ولی از لحاظ ساختمانی کم اهمیت، هنوز از دوران پادشاهی او باقی است؛ از قبیل: مسجد علی و هارون ولایت اصفهان که تزئینات آن‌ها، مشخص‌ترین آرمان‌ها را تحقق بخشیده‌اند. این که آثار تاریخی اندکی از آن دوران باقی است، دست کم تاحدی ناشی از تاخت و تاز عثمانیان است که در نیمه‌ی اول سده‌ی شانزدهم، بارها به آذربایجان تاختند و این قلب کشور شاه اسماعیل را اشغال کردند.

شاه طهماسب اول، جانشین شاه اسماعیل، سلطنتی طولانی و پرحادثه داشت (۱۵۲۴-۱۵۷۶). دستاوردهای دوران او در شاهکارهای عالی هنرهای زینتی، بیش از آثار معماری بزرگ، نمایان است. کاخ بزرگ او در قزوین، با پوشش کاشی معرق، بی‌شک دارای کیفیات عالی و بسیار زیبایی بوده که متأسفانه بر اثر لرزه‌ی شدیدی، به کلی ویران شده است. بیش‌تر آثار معماری اوایل عصر صفوی از خشت خام ساخته شده‌اند که ماده‌ای کم‌دوام است. امروزه هیچ بنای بزرگی باقی نیست که مشخصاً بتوان، آن را به عصر شاه طهماسب نسبت داد. در اسناد مربوط به آن عصر، تنها بنایی که اختصاصاً توصیف شده «مسجد شاه قزوین» است که توسط شاه اسماعیل آغاز شد. این مسجد که بزرگ‌ترین و زیباترین مسجد ایران بود، در برابر زمین لرزه‌ها دوام نیاورد و فقط گنبد سلجوقی مسجد جامع سالم ماند و حتی ترک هم برنداشت. این امر ناشی از تغییر آشکار در شیوه‌های ساختمانی و مصالح عصر شاه طهماسب است.

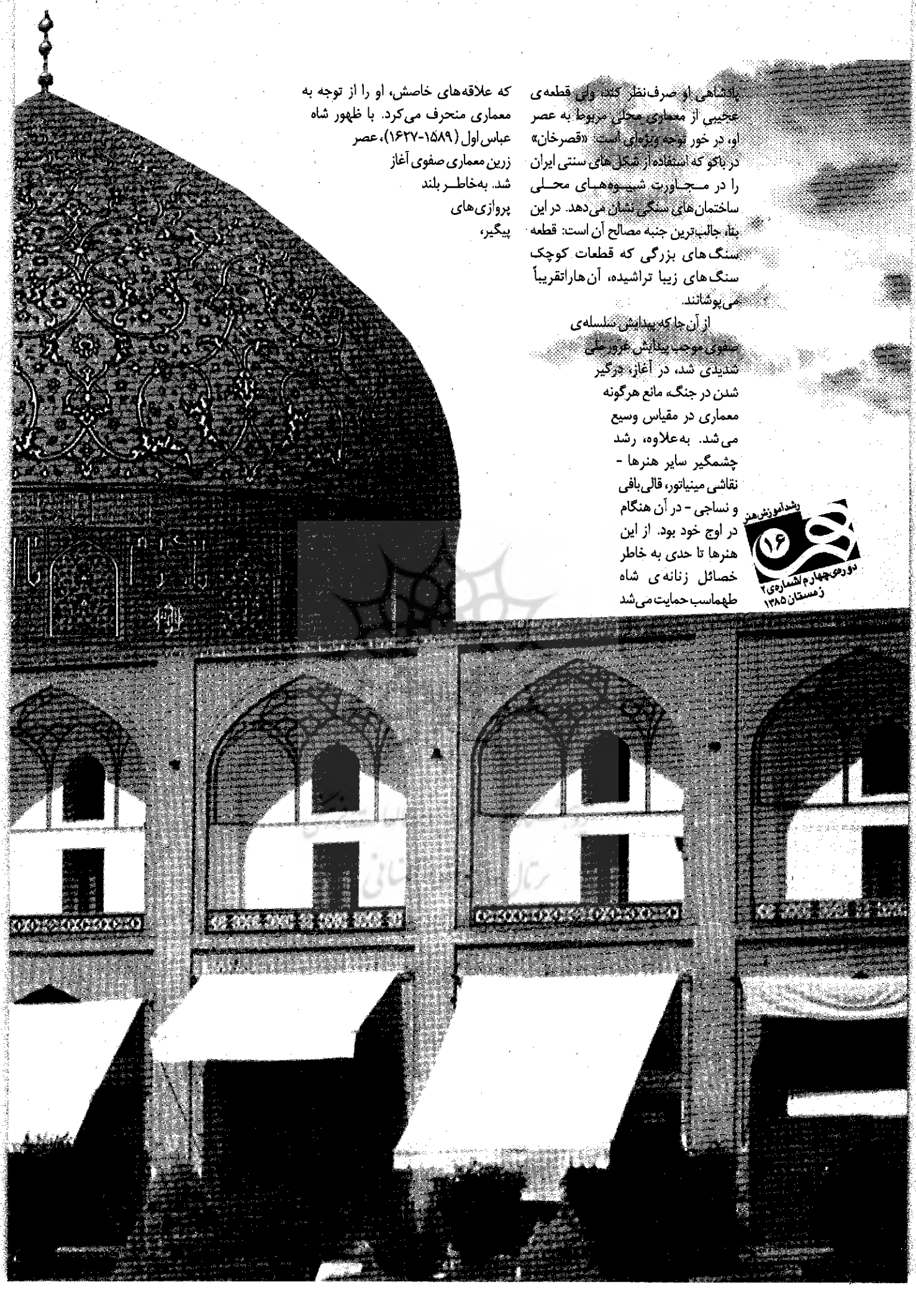
در زمان شاه طهماسب، بازسازی مقبره‌ی شیخ صفی‌الدین در اردبیل با موفقیت آغاز شد و کاخ‌ها، مسجدها و برخی ایوان‌های باشکوه، چشم جهانگردان اروپایی را خیره کرد. تعمیرات و اضافات زیادی در این دوران صورت گرفت؛ از قبیل: تجدید بنای مناره‌ی طلایی و گچبری کوچک در مشهد، روکاری ایوان جنوب غربی مسجد جامع اصفهان، و ساخت برخی باروهای مهم (از جمله در تهران). تاریخ معماری ایران می‌توانست تقریباً از معماری دوران



پادشاهی او صرف نظر کند ولی قطعه‌ی  
عمیقی از معماری محلی مربوط به عصر  
او، در خور توجه ویژه‌ای است: «قصرخان»  
در باکو که استفاده از شکل‌های سنتی ایران  
را در مجاورت شبیه‌وه‌های محلی  
ساختمان‌های سنگی نشان می‌دهد. در این  
بنای جالب‌ترین جنبه مصالح آن است: قطعه  
سنگ‌های بزرگی که قطعات کوچک  
سنگ‌های زیبا تراشیده، آن‌ها را تقریباً  
می‌پوشانند.

از آن جا که پیدایش سلسله‌ی  
صفوی موجب پیدایش هرور طی  
شدیدی شد، در آغاز، درگیر  
شدن در جنگ، مانع هرگونه  
معماری در مقیاس وسیع  
می‌شد. به علاوه، رشد  
چشمگیر سایر هنرها -  
نقاشی مینیاتور، قالی‌بافی  
و نساجی - در آن هنگام  
در اوج خود بود. از این  
هنرها تا حدی به خاطر  
خصائل زنانه‌ی شاه  
طهماسب حمایت می‌شد

پشت‌آوردن هنر  
۱۶  
دوره‌ی چهارم شماره‌ی ۲  
زمستان ۱۳۸۵



استعداد چشمگیر، و ذوق هنری او، و با کمک ثروتی که حکومت شایسته‌اش پدید آورده بود، دوران تازه‌ای در معماری ایران آغاز شد که در

آن، جزئیات گویا با رنگ‌های احساس برانگیزی که پیشین‌هاش پدید آورده بودند، به مجموعه‌های روشن و گویایی در مقیاس وسیع، و عظمت و شکوه فراوان تبدیل شد. این معماری، گرچه هیچ بدیعی را نشان نمی‌دهد، و گرچه مسلماً درخشان‌ترین عصر معماری ایران نبود، ولی عصر اعتدال و آخرین نمایش معماری اسلامی ایران است.

در دوران پادشاهی شاه عباس

اول، نقشه‌کشی و طرح یکپارچه همچنان اهمیت خود را حفظ کرد و اجزا را چنان در خود جذب می‌کرد که تزئینات در داخلی ساختمان حل می‌شدند و اجزای گوناگون یک هویت باشکوه را شکل می‌دادند؛ خواه در شاه‌نشین یا یک مجموعه‌ی زیارتگاه، خواه در شهر بزرگی مانند اصفهان. در نتیجه هر اثر معماری که از لحاظ نقشه‌ی استادانه، پاکیزگی، تناسب ترکیب و قدرت طرح ممتاز بود، کیفیت‌های تازه و مهمی از لحاظ زیبایی کسب می‌کرد. اصفهان که از سوی شاه عباس به پایتختی برگزیده شد، از مسجدها، کاخ‌ها، پله‌ها، خیابان‌ها و باغ‌های زیادی بهره‌مند شد؛ چندان که سیاحان اروپایی آن‌را «نصف جهان» نامیدند و زیبایی‌هایش را سخت ستودند.

شاردن که ناظری در خور اعتماد بود، می‌گوید که در سال ۱۶۶۶ م، اصفهان ۱۶۲ مسجد، ۴۸ مدرسه، ۱۸۲ کاروانسرا و ۲۷۳ گرمابه داشت. میلان مرکزی بزرگ اصفهان که

رشد آموزش هنر  
دوره چهارم (شماره ۲)  
زمستان ۱۳۸۵



مرکز رژه‌ها، سان‌ها و بازی‌ها، به‌ویژه چوگان بود، با طاق‌های دو طبقه‌ای احاطه شده بود که جلوخان مسجد شاه در کانون آن قرار داشت. در طرف مقابل، در انتهای شمالی میدان، کارونسرا و بازار سلطنتی قرار داشت و در وسط، ضلع غربی کاخ عالی‌قاپو و مقر دولت واقع بود. و دو طرف مقابل آن نیز نمازخانه‌ی شخصی شاه عباس، یعنی مسجد شیخ لطف‌الله قرار داشت.

اصفهان، از جمله شهرهای معلودی است که تاریخ و سابقه‌ی آن به قدمت کشور ایران است و در بسیاری از دوره‌های تاریخی، از شهرهای بزرگ و مشهور ایران بوده است. نویسندگان قدیم، بنای اصفهان را به ظهورت دیوبند، سومین پادشاه پیشدادیان، نسبت داده‌اند. زادگاه **کاوه آهنگر** را که بر ضد **ضحاک** علم طفیان برافراشت، شهر «فریدن» اصفهان می‌دانند و «سپاهان»، یا اصفهان، اسمی است که فریدون، پس از برانداختن ضحاک به دست کاوه به اصفهان داد؛ یعنی این شهر محل و جای سپاه است و اهالی آن، همه سپاهی و دلیر جنگی هستند. پس از ظهور اسلام و گسترش آن در ایران، «اصفهان»، جایگزین نام «سپاهان» شد. ظاهراً کلمه‌ی «اسپانان» بطله‌میوس و «سپاهان» پهلوی و «اصفاهان» یا «اصفهان» عرب و اصفهان امروز، لفظی قدیمی و احتمالاً کلمه‌ای پهلوی است که ریشه‌ی قدیم‌تر آن روشن نیست. حمزه اصفهانی، در قرن چهارم هجری، نام اسپاهان و اصفهان را مشتق از کلمه‌ی «سپاه» می‌داند و **یاقوت حموی**، جغرافیونیس قرن هفتم، اصفهان را شهر سواران نامیده است.

**ناصر خسرو**، در سفرنامه‌ی معروف خود، ملاحظاتی را از اصفهان در قرن پنجم ق (هشتم صفر ۴۴۴) این‌گونه به‌دست می‌دهد: «اصفهان شهری است برهامون نهاده آب و هوای خوش دارد و هرجا که ده گز چاه فرو برنده آبی سرد و خوش بیرون آید و شهر دیوار حصین بلند دارد و دروازه‌ها و جنگگاه‌ها ساخته و برهمه بارو و کنگره ساخته و در شهر جوی‌های آب روان و بناهای نیکو و مرتفع. در میان شهر، مسجد آدینه‌ای بزرگ و باروی شهر را گفتند سه فرسنگ و نیم است و اندرون شهر همه آبادان که هیچ از وی خراب ندیدم من در همه‌ی سرزمین پارسی گویان، شهری نیکوتر و جامع‌تر از اصفهان ندیدم.»

«مسجد شیخ لطف‌الله» (۱۶۰۱-۱۶۲۸)، یکی دیگر از بناهای دوره‌ی صفویه است که به‌خاطر اندازه‌ی برازنده و کارکرد ساده شده‌تر، آسان‌تر درک می‌شود. شکل استوار گنبدی روی یک اتاق چهارگوش که میراث معماری ساسانی است در این مسجد کوچک زیبا بار دیگر نمایان شده. آن‌را شاه عباس رویه‌روی قصر و به افتخار پدر زن روحانی‌اش ساخت. اتاقی منفرد و جالب است که بیش‌تر حالت نمازخانه‌ای خصوصی را دارد. در این‌جا نیز مثل «مسجد شاه»، برای قراردادن شیستان در جهت قبله، نوعی تعدیل به عمل آمده که مستلزم ۴۵ درجه انحراف از محور شمالی - جنوبی میدان بوده و به این منظور، از پیچی ابتکاری و ناپایدار در دلان مسجد استفاده شده است. «تمام سقف و دیوارهای راهرو با کاشی‌های هفت‌رنگ تزئین شده است» [مجله‌ی گردش، ش ۱۶]. وقتی وارد شیستان می‌شویم، محراب درست روبه‌رو قرار دارد. «محراب نفیس مسجد که با جالب‌ترین کاشی‌های مرقع پوشیده شده، عمل محمدرضا استاد حسین بنا اصفهانی به سال ۱۲۰۸ است. تغییر جهت از





بیرون نامحسوس است زیرا از بیرون تنها گنبد بالای دیوارها دیده می شود که سرسبز میدان را پر می کند.

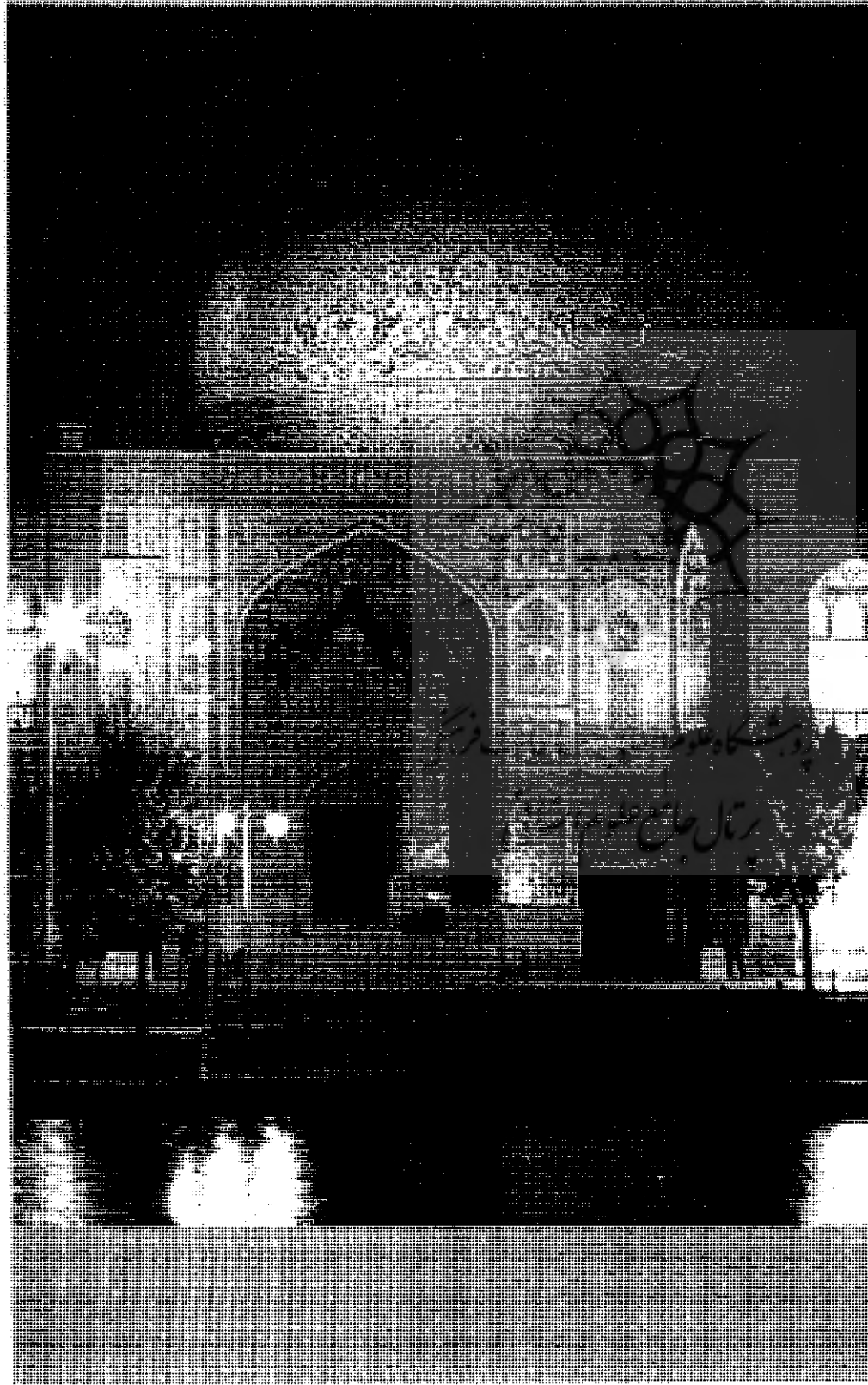
### گنبد

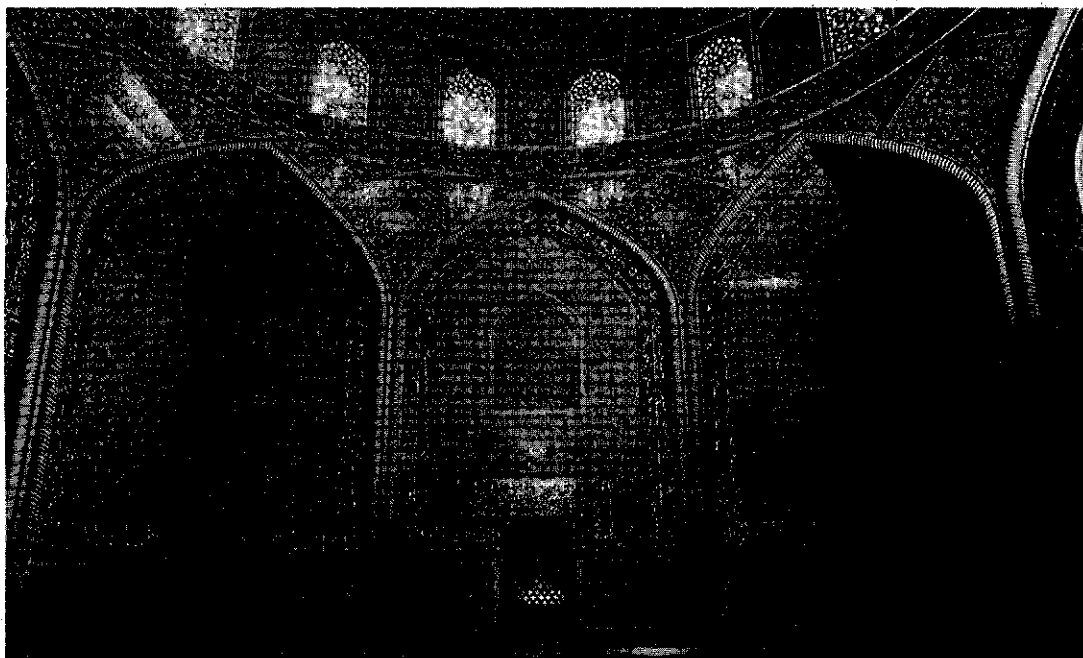
گنبد کوتاه تک پشته ای آن ۱۶ متر قطر دارد و بار فراوانی که روی دیوارهای قطور (۱۷۰ سانتی متری) با قرار گرفته است به بنا استهلاک می آید می بخشد. ارتفاع گنبد از سطح آب تا زیر سقف ۴۶ متر است و ارتفاع آن از سطح زمین به ۴۲ متر می رسد. اسلیمی های آبی و سفید با طاق گرد زمینه ای به رنگ شیرازه ای و دیوار می خورند. کاشی ها سفید و سفیدهای زیبایی دارند که هر چه از محیط دورتر به طرف مرکز نزدیک می شوند نقش های کوچک تر می شوند. گنبد مسجد شیخ لطف الله همانند دیگر اجزای آن بسیار شکیل و زیباست.

کتیبه ای خارجی گنبد به خط ثلث با کاشی سفید معرق بر زمینه ای لاجوردی به ترتیب شامل سوره های شمس، زمر و کوثر است. ۱۶ پنجره ای مشبک در گردنه ای گنبد که با کاشی های معرق آراسته شده اند، نور داخل شیستان مسجد را تأمین می کنند. هر بالای پنجره ای مشبک کاشی آبی سردر مسجد کتیبه ای به خط نستعلیق سفید بر متن کاشی لاجوردی وجود دارد که حاکی از تعمیرات مسجد در سال ۱۶۰۶ هجری است.

### شیستان

سردر مقرنی درختانی در میان شیستان باشکوه نمایان است. خود اتاق نشانه ای کامل زیبایی نقشه ای گنبد روی اتاق چهارگوش است که آینه ای با آرایش افزایشی زمانه ساخته و مزین شده است. آنچه در نقشه ای بر به سوی بنا آید





ویژگی‌های چشمگیر آن است. در ساقه‌ی گنبد و در فواصل منظم پنجره‌هایی تعبیه شده و در آن‌ها یک جفت شبکه کار گذاشته‌اند؛ یکی داخل و دیگری خارج، هر یک شامل نقش‌های اسلیمی برجسته‌ای که در آن‌ها فضاهای پر و خالی، متناسب هستند. چنان‌که نور دوبار می‌شکند و در طول لبه‌های کاشی آبی‌رنگ از صافی می‌گذرد. بدین‌سان نور تلطیف و تصفیه می‌شود و بر هزاران سطح شفاف دیوار و گنبد باز می‌تابد. این نور همه‌جا را همچون شبنمی براق فرا می‌گیرد و نوعی زیبایی غیرزمینی را نمایان می‌سازد. هیچ‌کس قادر نیست با حالتی هشیار یا متفکر وارد شود، بی‌آن‌که تکان و احساسی ناشی از رسیدن به حضور، به وی دست ندهد.

این بنا با همه‌ی برازندگی‌ها و کمالش، فاقد ضعف است. فضا کاملاً باز و نقش‌ها بسیار قوی هستند. این بنا، همچنان‌که از معماری آن انتظار می‌رفته است، حالت خود را القا می‌کند.

#### منابع

۱. پوپ، ایراهام. معماری ایران. انتشارات فرهنگان چاپ سوم. ۱۳۷۳
۲. هدایت‌صالحی. اصفهان، نصف جهان نشر قطره. تهران. چاپ اول. ۱۳۷۷
۳. نشریه‌ی ایران‌شناسان، ایرانگردان و جهانگردان. شماره‌ی ۱۶.

طارمی‌ها و درهایی بیرون آمده است. این مجموعه که بیش‌تر آراسته به کاشی است، درخشان و هماهنگ است و رنگ‌های مسلط را در آن، فیروزه‌ای، لاجوردی و سفید شیری تشکیل می‌دهند. «مازازه» و طاقنماهای وسط دیوارها، با کاشی‌های هفت رنگ اطلسی پوشیده شده‌اند که در طاقنماها دارای اسلیمی‌های درشتی هستند. باقی داخل بنا از کاشی‌های معرق درخشانی است که موجب رقص نور در سراسر سطح بنا می‌شود و گاه با ورقه‌های تابان نوری همراه است که لحظه‌ای تمام رنگ و طرح را فرا می‌گیرد. این سطح روشن آینه‌وار، به‌ویژه در طاقنمای کنجی، عبارت است از طومارهای بزرگ درهم تنیده‌ای که در یک زمینه‌ی شیر - قهوه‌ای نقش شده‌اند. محراب به‌خاطر رنگ تمیز و صافش، همچنین ترکیبات و خطوط هماهنگش، بسیار گیراست.

از نقش خورشید زرین بر نوک گنبد، رشته‌تومارهای ماریج گسترده‌ای منتشر می‌شوند که بر از شکل‌های گل و پته‌اند و نقش پارچه‌ای که نمونه‌هایی از آن در دست است. همه‌ی این عناصر را نوارهای کتیبه‌ای پهنی احاطه کرده‌اند که گنبد بالا و آزارهای را که به پی می‌رسد، متحد می‌سازند.

این معماری ناب، بی‌عیب و آرام، هنوز به همان کمال ۳۰۰ سال پیش است که آن‌را بنا کرده‌اند. تعبیه‌ی نور یکی از

چهارگوش بود و می‌توانست مکعبی یکنواخت شود، به هشت گوش گنبددار با قاب‌های پرمایه و جدی و عناصر اصلی و جنبی متضاد تعدیل شده است. گوشواره‌ی کوچک و خام اشکانی و ساسانی که سخت جنبه‌ی مکانیکی داشت، اینک تغییر شکل یافته و کاملاً جذب شده است. هر یک از طاقنماهای کنجی که در واقع گوشواره‌ی غول‌آسا است، به جای آن‌که گودالی شیپوری باشد، اینک به کف اتاق می‌رسد.

این‌ها همان جلوه‌ها و ابعادی را دارند که چهار طاقنمای اصلی، و بنابراین، اتاق دارای پی چهارگوش را به یک هشت گوش تبدیل کرده‌اند. هر هشت طاقنما با حاشیه‌ی فیروزه‌ای روشنی به شکل طنابی ضخیم مزین و یا نوارهای پهنی از کتیبه‌های سفید خیره‌کننده در زمینه‌ی تیره‌تر آبی‌مات، به خط علیرضا عباسی، بزرگ‌ترین خوشنویس زمانه، احاطه شده‌اند. «مسجد شیخ لطف‌الله را دو نفر خطاط نوشته‌اند: یکی علیرضا عباسی و دیگری باقر بنا، خطاط گمنامی که کتیبه‌های اطراف زوایای داخل گنبد را نوشته که بسیار به خط علیرضا عباسی شبیه است. دو کتیبه‌ی فوقانی داخل مسجد به خط ثلث سفید معرق و به زمینه‌ی لاجوردی، اثر علیرضا عباسی (۱۰۲۵ هـ -) است.»

از میان قاب‌های مسطح، طاقنماهای محور اصلی پنجره‌ها،